

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

شباهنگ راد

۳۱ مارچ ۲۰۱۳

انقلاب از کدام راه و طریق!

[در حول و حوش دومین جلسه، احزاب، سازمان‌ها و نهادهای چپ و کمونیست]

نزدیک به یک سالی است که بیست و پنج "سازمان"، "حزب"، کمیته، نهاد و هسته، جلسه ای را حول نقش‌آفرینی هر چه بیشتر و "بدیل سوسیالیستی و در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی و تهدیدات امپریالیستی و راه های حل رفرمیستی و ارتجاعی آن"، سازمان داده‌اند.

بنابه گفته برگزار کنندگان، مقصود جلسه بر آن بود تا هم جنبش‌های اعتراضی را از سر در گمی و بی‌هدایتی سالم به در آورد و هم جنبش کمونیستی را از اوضاع کنونی نجات دهد! بی‌تردید چنین نیت و نگاهی به خودی خود ناصحیح نیست. چرا که کمونیست‌ها آمده‌اند تا جامعه را به مسیر شکوفائی و بالندگی سوق دهند. اما و در کنار چنین ایده صحیحی، لازم است تا بر این موضوع بدهی اشرف داشت که وظیفه اصلی سازمان‌ها و احزاب کمونیستی، صرفاً و صرفاً تفسیر جهان سرمایه‌داری و رژیم‌های وابسته‌ای همچون جمهوری اسلامی نیست، بلکه تغییر آن‌هاست. بر مبنای چنین باور و اعتقادی است که این سؤال کلیدی در مقابل‌شان قرار می‌گیرد که راه اصلی و مرکزی انقلاب کدام است و چگونه می‌توان توده‌های ستم‌دیده را بسیج و سازماندهی نمود؟ این سؤال در مقابل‌شان قرار می‌گیرد که با کدامین متدهای مارکسیستی – لنینیستی و فعالیت‌های عملی می‌توان از تعرض سرمایه‌داران، به جان و مال توده‌های محروم جلوگیری نمود؟ مسلماً در پاسخ‌گوئی به این‌دست از سؤالات پایه‌ای است که می‌توان هم جهت حرکت و وظایف کمونیستی را روشن نمود و هم از مبالغه‌گوئی و از طرح سیاست‌های بی‌محتوا دوری جست.

شنیده و دیده‌ایم که هر اتحادی – و به ویژه اتحاد بیست و پنج "سازمان" و "حزب" و غیره – منجر به تحركات هر چه بیشتر خواهد گردید؛ شنیده و دیده‌ایم که کمیت، نقش بسزائی در انجام عکس‌العمل‌ها و آن‌هم در مقابل تحركات ضد انقلابیون، چه در درون جامعه و چه در بیرون از جامعه دارد؛ شنیده و دیده و عمیقاً بر این باوریم که میزان فعالیت‌های سیاسی – عملی، بیست و پنج سازمان و حزب و غیره، به‌مراتب و به‌مراتب، گسترده‌تر و وسیع‌تر از فعالیت‌های سیاسی – عملی، تک سازمانی و تک حزبی است؛ اما و متأسفانه، نمودارها و چارت‌های اتحاد‌های تاکتونی خلاف این را نشان می‌دهد و "جنبش" خارج از کشور، کمتر و یا در حقیقت اصلاً، شاهد تحركات عملی از جانب اتحاد‌هایی همچون نیروهای متشکله در "کلن" نبوده و نیست. به راستی دلیل این امر در چیست و چرا این "سازمان‌ها" و "احزاب" قادر نگردیدند تا کار عملی مشترکی را سازمان دهند، در حالی‌که ما شاهد فعالیت‌های تک سازمانی، و تک حزبی بودیم؟ آیا و بنابه باور آنان، منفعت عمومی جنبش، سوار بر منفعت تک "سازمانی" و تک "حزبی" نیست؟ آیا نمی‌بایست و نباید

"جنبش" خارج از کشور شاهد کار جمعی‌تر و آن‌هم در عرصه عملی از جانب بیست و چند "سازمان" و "حزب" و غیره می‌بود؟!

به هر حال فقدان و نبود چنین کارکردهائی، یکبار دیگر بر این حقیقت صحه می‌گذارد که خشت این اتحاد - بهمانند مابقی اتحادها - بد چیده شده است و هدف، تجمع و آزادسازی انرژی‌ها و همچنین انجام کار وسیع‌تر نیست. نشان از آن دارد که مقصود اصلی، سازماندهی کاری گسترده نیست، و در عوض، رفع تکلیف و بی‌باروی درونی و باطنی، به کار جمعی‌تر است. پیش‌داوری در کار نیست و ملاک و عیار سنجش‌مان، به میزان عمل‌کردهای تاکتونی - و در حقیقت به میزان بی‌عملی - نیروهای متشکله "کلن"، بر می‌گردد. بر این اعتقاد که ایراد اساسی و بنیادی نیروهای متشکله "کلن" و "فرانکفورت"، به عدم درک کمونیستی‌شان از مبانی و مفاهیم اتحاد بر می‌گردد؛ به درک ناصحیح‌شان پیرامون دخالت‌گری اعتراضات مردمی و آن‌هم به‌عنوان سازمان جدی کمونیستی بر می‌گردد. بی‌تفاوتی سیاسی و بی‌وظیفگی‌های عملی‌شان را، می‌توان مابین، این دو جلسه دید. هم اطلاعیه اولی‌شان این را نشان می‌دهد و هم اطلاعیه پایانی و دومین جلسه‌شان مابین این واقعیات است که این دوستان، جمع نشده‌اند تا به معضلات جنبش و چپ، پاسخ گویند بلکه برای این جمع شده‌اند تا رفع تکلیف نمایند و بر بی‌باروی‌های‌شان صحه بگذارند. بی دلیل هم نیست که فاقد کمترین ثمره‌اند و گزارش‌شان هم، در خلاف پرنسب‌های اولیه کمونیستی است. تفسیر سیاسی، جمع‌بندی و رهنمودهای‌شان، با اطلاعیه آغازین‌شان تفاوتی ندارد و وظیفه خود هم نمی‌دانند تا "دستاوردها" و "ثمربخشی" مابین این دو جلسه را، توضیح دهند. کار ناکرده و ائتلاف وقت زیاد دارند و در عوض ادعاها بسیار و همچنین بیان چشم‌اندازهای "روشن" فراوان‌اند!! اگر چه جایز نیست و نباید از "حق" و "انصاف" گذشت که تاکنون، توانسته‌اند یکی دو اطلاعیه به‌مناسبت بازگشائی مدارس و هشت مارچ - روز جهانی زن - منتشر، و چندین مصاحبه فردی "سازمان" دهند و همه آن‌ها را، به پای فعالیت‌های قبلی خود بنویسند!!

آری، بیست و پنج "سازمان" و "حزب" و غیره از چنین پشتوانه و "فعالیت‌های عملی"ی برخوردارند و به جرأت می‌توان گفت که بررسی کارکرد آنان نه تنها نمی‌تواند کار چندان مشکلی باشد، بلکه و یکبار دیگر بر این نکته صحه می‌گذارد که اوضاع چپ خارج از کشور، به‌مراتب، وخیم‌تر از آن چیزی است که ما شاهد آنیم؟

پیشاپیش و در [اتحاد از کدام منظر و در کدام بستر](#) اشارات کوتاهی داشتم مبنی بر این‌که، افکار نیروهای درون این اتحاد، پیرامون ریزترین تا درشت‌ترین مسائل سیاسی، درک از سرمایه‌های امپریالیستی و رابطه‌ی آن با رژیم‌هایی همچون جمهوری اسلامی و همچنین آلت‌رناتیوهای حکومتی متفاوت است. نوشته و بر این اعتقاد که شباهت و نزدیکی‌ای مابین این‌همه "سازمان" و "حزب" وجود ندارد. این سؤال را طرح نموده‌ام که چگونه می‌توان و آن‌هم در خارج از کشور بنای جامعه سوسیالیستی را پی ریخت و اقدام به بسیج کارگران و زحمت‌کشان نمود؟ طرح نمودم و اصرار دارم که چگونه می‌توان در برابر آلت‌رناتیوهای سرمایه، آلت‌رناتیوهای حقیقی و مردمی را به جامعه نشان داد و توده‌های محروم را ترغیب به آرمان و اهداف خود نمود؟ آیا بیست و چند "سازمان" و "حزب" و دسته و غیره، فقط و فقط و آن‌هم، برای یکبار و در خلوت خود به این اندیشیده‌اند که انقلاب کارگران و زحمت‌کشان، بدون حضور و بدون ارتباط مستقیم نیروهای کمونیستی ناممکن می‌باشد و ریموت کنترلی نیست؟ آیا بر این امر آگاه‌اند که اتحادهای کمونیستی، پیش‌زمینه‌ها و پیش‌شرط‌هایی دارد و بدون رعایت قواعد آن، کاری به پیش نخواهند بُرد؟ آیا به سهم خود روشن ساخته‌اند که با اتخاذ کدامین روش‌های مبارزاتی می‌خواهند در مقابل اتحاد نیروهای وابسته به سرمایه، قد علم نمایند و بر وظایف "کمونیستی" خویش جامه عمل بپوشانند؟

بی پاسخی آنان در مقابل سوالات طرح شده از جانب منتقدان، نمایان‌گر این واقعیات است که نه ارزیابی‌های سیاسی و نگاه‌شان از کارکردها و ماهیت سرمایه‌های امپریالیستی و رژیم وابسته به آن‌ها، یعنی جمهوری اسلامی یکی است، و

نه کمترین درک واحدی پیرامون پی‌گیری راه انقلاب و انتخاب تکنیک‌ها دارند. از مباحث و موارد ناگفته‌شان خارج شویم و به گزارش و به حاصل این مدت اتحاد بیست و سه، چهار و یا پنج نیروی کمونیستی بدون ارتباط با داخل، نظری بیفکنیم، تا بهتر دریابیم که جدیت‌شان به چه میزان است و تا به‌حال، به کجاها، به پیش رفتند؟

در اطلاعیه پایانی مؤرخه بیست‌وشش بهمن [دلو] نود و یک می‌خوانیم که " ... هیأت هماهنگی با ارائه گزارشی کوتاه از عمل‌کرد و تشریح برنامه جلسه دوم، و قدردانی از شورای نمایندگان این نیروها که در فاصله دو جلسه وظایف محوله را به پیش بردند، دستور کار جلسه را به تصویب رساند. جلسه در فضائی صمیمانه و با مداخله فعال همه شرکت‌کنندگان مباحث خود را حول اوضاع سیاسی، ارزیابی از فعالیت‌های دوره قبلی، تدارک گام‌های بعدی و تدقیق مکانیسم‌های ساختاری متمرکز کرد. دومین جلسه احزاب، سازمان‌ها و نهادهای چپ و کمونیست بعد از دو روز با موفقیت به کار خود پایان داد!!" - تأکیدات از من -

این کار و بار، و این گزارش و فعالیت بیش از بیست و چند "سازمان" و "حزب کمونیست" به دنیای بیرونی و آن‌هم در فواصل دو جلسه است!! نه بر آنند تا وظایف محوله‌شان را توضیح دهند؛ نه نیازی به توضیح فعالیت‌های دوره قبلی است، و نه لازم است تا "مردم" بدانند که وظایف عملی‌شان در مقابل رژیم جمهوری اسلامی و آن‌هم در دوره‌های آتی چیست!!! کمونیست‌هایی که به قول خود، با مردم خود سر راست‌اند، و یا، کار و بارشان با "مردم" پنهانی نیست!! به راستی و فارغ از تفاوت‌های سیاسی - تئوریک‌مان، با این سازمان‌ها و احزاب، آیا نگاه و تعاریف‌مان از بیان حقایق و صراحت لهجه متفاوت و از زمین تا آسمان نیست؟ آیا، این دوستان بعد از چندین دهه فعالیت کمونیستی نمی‌دانند که می‌بایست عمل‌کردهای مابین دو جلسه و همچنین برنامه‌های سیاسی و عملی بعدی خود را و آن‌هم با صراحت تمام با "مردم" خود در میان بگذارند، تا در این میان، "مردم"، مابین آلترناتیوهای امپریالیستی، به آلترناتیوهای خودی روی آورند؟! چرا بیست و چند سازمان و غیره به صراحت کمونیستی - انقلابی اعلام نمی‌نمایند که عمل‌کرد چندین ماهه‌شان - حال با هر تبیین و تفسیری - چه بوده است؟ موفقیت‌ها و ناموفقیتی‌شان چه بوده است و تکرار مواردی همچون "ما شرکت‌کنندگان در جلسه دوم نیروهای چپ و کمونیست با عطف توجه به حساسیت اوضاع سیاسی کنونی بار دیگر جنبش کارگری ایران، جنبش رهائی زنان، جنبش دانشجویی و جوانان انقلابی و مردم زحمتکش ایران را به وحدت و تشکل در سطوح مختلف و بسیج حول یک راه حل کارگری، سوسیالیستی و شورائی فرا می‌خوانیم و دست همکاری و اتحاد عمل همه فعالان و نیروهای موجود در جنبش چپ و کمونیستی ایران و فعالان سوسیالیست و رادیکال جنبش‌های اجتماعی برای تأمین ملزومات و رفع موانع آلترناتیو سوسیالیستی را به گرمی می‌فشاریم"، در چیست؟ آیا بنابه باور آنان و مگر سازمان‌ها و احزاب کمونیستی نمی‌بایست و نباید در دسترس، جنبش‌های اعتراضی، سوسیالیستی، دانشجویی و اجتماعی باشند، تا در این میان، جنبش‌های رادیکال، از میان "بد" و "بدتر"، خوب و مدافعین حقیقی خود را انتخاب نمایند؟!!

واقعیت این است که ناروشنی‌های این اتحاد، بسیار و بسیار، بیشتر از روشنی‌های آن می‌باشد. اختلافات سیاسی - تکنیکی بعضاً شرکت‌کنندگان و ناظران - و بنابه ادعاهای‌شان -، به‌مانند دو رنگ سیاه و سفید است. به همین دلیل کارشان به جایی نخواهد رسید و مخالفت‌ها هم، حول این‌گونه اتحادها، بی‌جا نیست. بحث بر سر نفی و یا بی‌باوری به یکی شدن نیروهای کمونیستی نیست، بلکه طرح و بیان ناممکن‌ها و واقعیت‌هاست. اتحاد کمونیستی نیازمند نگاه واحد از تکنیک‌های مبارزاتی و مهمتر از آن نیازمند دخالت‌گری و پیشاپیشی مبارزات کارگران و زحمت‌کشان است. تا زمانی که "سازمان" و "حزب" سیاسی در خارج از کشور لنگر انداخته است و کمترین گامی در جهت وصل به داخل بر نمی‌دارد؛ تا زمانی که سازمان‌ها و احزاب کمونیستی از میدان غیر خودی کنده نشوند، قادر به ثمربخشی و سمت‌وسو دادن اعتراضات مردمی نخواهند بود. به بیانی واقعی آتش و انقلاب در میدانی دیگر شعله‌ور می‌شود و اپوزیسیون و

چپ خارج از کشور، در فکر بدیل حکومتی و آن هم از نوع "سوسیالیستی" آن می‌باشد. حقیقتاً که جمع بیست و چند نفره "کلن" و "فرانکفورت"، در دستان خود، پُر از ناکرده‌ها و بی‌وظیفگی‌های عملی دارند و همچنین بنادرست، اعلام می‌کنند که:

"از جلسه اول نیروهای چپ و کمونیست در "کلن" تا کنون تلاش برای آلترناتیو سازی‌های بورژوائی، سوار شدن بر دریای عظیم نارضائی توده‌ئی و مصادره جنبش‌های اعتراضی و مطالباتی توسط نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی به شکل بی‌سابقه‌ای تشدید شده است. بازار کنفرانس‌ها، پروژه‌های آلترناتیو سازی از جانب بخش‌های گوناگون اپوزیسیون بورژوائی ایران تحرک تازه‌ای یافته است."

پر واضح است که بیان چنین موضوعی را نمی‌توان جدی گرفت و به درد خودی‌ها هم نخواهد خورد. چرا که کار و بار امپریالیست‌ها، از دیرباز و همواره و همواره، راه‌اندازی باندها و دسته‌جات وابسته به‌خود و آن هم در دُوره‌های متفاوت بوده و می‌باشد؟ معین نیست که چنین ارزیابی و جمع‌بندی را می‌توان با کدامین ادله سنجید و مهمتر از همه این‌ها، نیروهای متشکله "کلن" بر مبنای کدامین فعالیت‌های نظری - عملی ثمربخش تأکید می‌ورزند که از زمان "کلن" تاکنون، سرمایه به‌منظور، به عقب راندن اتحاد بیست و چند "سازمان" و "حزب" چپ خارج از کشور بر فعالیت‌های خود، - حول آلترناتیو سازی‌ها - افزوده است؟!!

باور کنید و طبق معمول آدرس غلط می‌دهید، و نشانی واقعی‌تان هم، آنچه را که خود می‌گوئید، نیست؟ همین "جنبش" خارج از کشور را به بازی می‌گیرید و به خیال خود بر آنید که هدف‌تان، تغییر زندگانی میلیون‌ها انسان در بند و ندار است. باور کنید بدیهی‌ترین اصل کمونیستی را بر اساس تمایلات حقیر گروهی - شخصی خود تعریف می‌کنید و کاری به بیان حقایق و برشماری موقعیت خودی ندارید. دهه‌هاست که از وقت تعیین و تکلیف سازمانی - حزبی و همچنین از اتحاد‌های بی‌محتواء و بی‌سرانجام گذاشته است و حاضر به طرح ناتوانی و بی‌مایگی سازمانی - حزبی‌تان و همچنین بی‌ثمری این‌گونه اتحاد‌ها نیستید. بی‌عملی، بی‌سر و صدائی و بی‌نتایجی‌تان، گویای هرگونه ادعائی است. خلاف نظر شما، رشد و نمو جنبش‌های رادیکال و اعتراضی نیاز به صراحت لهجه و ادبیات روشن، مدافعان تغییر دنیای کنونی و به ویژه کمونیست‌ها دارد. سیاستی که با خُلق و خوی‌تان بیگانه شده است و بی‌دلیل هم نیست که دافعه‌تان، به‌مراتب و به‌مراتب بیش از جاذبه‌تان است؛ تا زمانی‌که از منظر یک کمونیست حقیقی به نقش و وظایف خودی پی نبرید؛ تا زمانی‌که اعلام ننمائید، با اتخاذ کدامین سیاست‌ها و راه‌ها می‌توان جنبش‌های کارگری - توده‌ئی را از وضعیت اسف‌بار کنونی بدر آورد؛ تا زمانی‌که تلاش نوزید محتواء و شکل را منطبق با هم نمائید، نه تنها قادر به کار ارزشمند و تأثیرگذار نخواهید بود بلکه معرف بدآموزی‌ها و از زمره مخربین آرمان کمونیستی به حساب خواهید آمد.

خلاصه این‌که دو راه در مقابل بیست و چند "سازمان" و "حزب" خارج از کشور قرار دارد. یا تصفیه حساب‌های سیاسی جدی و خانه‌تکانی بنیادی، و یا تداوم سیاست‌های بی‌سرانجام و توهمزای تاکنونی. بی‌شک اولی را می‌توان در خدمت به وفاداری و پایداری به اصل کمونیستی یعنی برخورد صادقانه و جدی با مسائل توضیح داد و دومی را از زمره سیاست‌های توهمزای، ذهنی‌گرائی و منفعت‌گرویی - فردی بر شمرد؛ سیاستی که به جرأت می‌توان گفت کمترین همخوانی با منفعت جامعه انقلابی و کارگران و زحمت‌کشان ندارد.

۳۰ مارچ ۲۰۱۳

۱۰ فروردین [حمل] ۱۳۹۲

لینک اعلامیه پایانی

http://www.azadi-b.com/J/2013/02/post_230.html